موضوع: بررسی حديث مدينه العلم

بررسی کتاب فتح الملک العلی در اثبات حدیث مدینه العلم

بحث راجع به یکی از روایات حدیث مدینه العلم به نقل از امیرالمومنین (ع) بود. سند این روایت از این قرار است: عباد بن یعقوب از یحیی بن بشار از اسماعیل بن ابراهیم از ابی اسحاق از حارث بن اعور از عاصم بن زمره از امیرالمومنین (ع) روایت می کند.

خطیب بغدادی گفته است یحیی بن بشار و شیخ او اسماعیل بن ابراهیم مجهول هستند. ذهبی نیز یحیی بن بشار را مجهول دانسته، مضافا بر اینکه حدیث را باطل شمرده است. ابومریم اعظمی سخن ذهبی در باطل بودن حدیث را تایید کرده و با توجه به مجهول بودن یحیی بن بشار، روایت را ضعیف شمرده است.

در جلسه قبل گفته شد باطل شمردن حدیث توسط ذهبی، مبتنی بر مبنای نادرستی است که وی در باره فضایل اهل بیت (ع) در پیش گرفته است و آن اینکه همین که حدیثی در فضایل آنان باشد، معمولا این احادیث را باطل دانسته و رد می کند. در این باره سخن ابن صدیق غماری از کتاب «فتح الملک العلی» نقل شد که گفته بود: «لکن الذهبی اذا رای حدیثا فی فضل علی (ع) بادر الی انکار بحق أو باطل حتی کأنه لایدری من راسه سامحه الله»[[1]](#footnote-1) . سپس گفته شد مجهول بودن یحیی بن بشار یا اسماعیل بن همدانی حدیث را به کلی از اعتبار ساقط نمی کند، زیرا روایت مجهول اگر به تنهایی باشد، اما اگر حدیث متابع داشته باشد یعنی طریق دیگری برای این حدیث باشد که اعتبارش بالاتر یا در سطح همین حدیث باشد، باعث تقویت شدن حدیث می شود، کما اینکه وجود شواهد برای حدیث هم باعث اعتبار حدیث شده و آن را اصطلاحا «حسن لغیره» گویند. این مطلبی است که قبلا به تکرار از آن یاد شد، و خیلی از اشکالات ابومریم اعظمی بر المراجعات در مورد روایات نیز به همین مساله مجهول بودن برخی راویان حدیث بر می گردد. به خاطر همین مناسب است که این مساله به تفصیل بیان شده و اقوال عالمان علم حدیث در این باره بیان شود.

اقسام روایت مجهول

روایت مجهول اقسامی دارد:

1. مجهول الذات یا روایت مبهم. به روایتی گفته می شود که اسم راوی مشخص نیست به این صورت که ممکن است یک راوی با نام و کنیه از او یاد شود اما یکی از آنها مشهور است و در روایتی نام یا کنیه ناشناخته او بکار رود. گاهی نیز در تعبیر روایت آمده است «اخبرنی رجل» و یا «عن فلان». اصل اولیه در این روایت عدم اعتبار آن است تا وقتی که اسم راوی و وثاقت وی مشخص شود.

2. مجهول عین. روایتی که نام راوی آن مشخص است اما آن فرد نزد عالمان علم حدیث شناخته شده نیست و تنها یک نفر مشهور از وی نقل روایت کرده است. درباره اعتبار و عدم اعتبار این روایت چند قول است:

الف) دیدگاه اکثر عالمان اهل حدیث و اهل اصول و فقه، عدم اعتبار این روایت است.

ب) برخی نیز آن را معتبر دانسته اند و گفته اند اگر یک راوی معتبر و مشهوری از یک نفر ناشناخته روایت نقل کند، مورد قبول است. این قول بر مبنای اصالت العداله در راوی بنا شده است که اصل را بر عدالت راوی می داند تا خلاف آن ثابت شود (این مبنا قابل قبول نیست).

ج) قول سوم این است که آن فردی که از این فرد ناشناخته روایت نقل کرده هم مشهور است و هم جز از ثقه روایت نقل نمی کند. مثلا در میان راویان اهل سنت به ابن المهدی و یحیی بن سعید مثال زده اند. اگر در راوی شهادت یک نفر را کافی بدانیم در این صورت این روایت معتبر خواهد بود.

د) قول دیگر آن است که این فرد ناشناخته از جهت صفات مربوط به روایت شناخته شده نیست، اما در صفات دیگر مانند شجاعت، زهد و مانند آن مشهور و شناخته شده است. ابن عبد البر طرفدار این روایت بوده است. برخی نیز گفته اند اگر یکی از ائمه جرح و تعدیل او را توثیق کرده باشد و یک راوی موثق هم از وی نقل روایت کرده باشد، آن روایت مورد قبول است. ابن قطان و ابن حجر عسقلانی طرفدار این دیدگاه هستند.

3. مجهول الحال. به روایتی گفته می شود که راوی حدیث جرح و تعدیل ندارد اما اسم وی مشخص بوده و دو نفر یا بیشتر از افراد ثقه و معروف از او نقل روایت کرده باشند. درباره این روایت (منهای بحث متابعات و شواهد) نیز چند دیدگاه وجود دارد: جمهور عالمان علم حدیث این روایت را مردود می دانند. قول دیگر آن است که این روایت همانند روایت مجهول العین مطلقا مقبول است (و این دیدگاه از آن طرفداران اصالت عدالت است). قول سوم این است که گفته شده اگر در میان راویان ثقه که از وی نقل روایت می کند، افرادی باشند که جز از ثقه نقل نمی کنند در این صورت روایتش مقبول است.

4. راوی مستور (یا روایت مجهول العداله باطنا). به روایتی گفته می شود که اسم و شخص راوی معلوم است و به لحاظ ظاهر نیز توثیق دارد اما از نظر باطل که آیا وی واجد ملکه عدالت است یا نه، وضعیت او معلوم نیست. ابن الصلاح گفته است در بیشتر کتب روایی به این روایت عمل شده است، زیرا شناخت باطن افراد مشکل است و بسیاری از کسانی که روایت مجهول را قبول ندارند، روایت مستور را قبول کرده اند.[[2]](#footnote-2) سخن ابن صلاح درست است زیرا عدالتی که در راوی شرط است، عدالت ظاهری است و از باطل افراد معمولا اطلاعی نیست و اگر قرار است این شرط لازم شمرده شود، در این صورت دیگر نمی توان به وثاقت و عدالت روایت علم پیدا کرد.

آنچه بیان شد درباره حکم اولیه راوی مجهول است، اما حکم ثانوی آن این است که اگر روایتی به جهت مجهول بودن راوی ضعیف شمرده شده است اما دارای متابعات باشد (یعنی طریق دیگری غیر از این شخص داشته باشد و سند آن طریق به گونه ای باشد که از نظر اعتبار یا ضعف هم ردیف این روایت یا بالاتر باشد) در این صورت، این روایت تقویت شده و ضعفش جبران می شود. این روایت را اصطلاحا «حسن لغیره» گویند.

انشاء الله در جلسه آینده اقوال عالمان علم حدیث دراین باره بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. فتح الملک العلی، ص 121 [↑](#footnote-ref-1)
2. ر.ک: تدریب الراوی، (شرح تقریب النواوی)، جلال الدین سیوطی، ص 158 ؛ قواعد اصول الحدیث، دکتر احمد محمد هاشم، ص 117- 118 ؛ مناهل المحدثین فی تقویت الاحادیث صحیحه و حسنه، باب پنجم، تقویت احادیث المجهولین، ص 305- 367 [↑](#footnote-ref-2)